

فرم در  
موسیقی کلاسیک غرب

**Shiraz-Beethoven.ir**

ح. زندباف

## فهرست

۷	آغاز سخن
۱۱	منظور از فرم
۱۳	فصل اول: فرضیه تنظیم زمان
۳۱	فصل دوم: آرگانیسم فرم
۴۱	فصل سوم: ساختمان فرم
۵۷	فصل چهارم: فوگ
۸۳	فصل پنجم: سایر فرم‌های پولیفونی
۹۱	فصل ششم: فرم‌های باروک
۹۵	فصل هفتم: سونات قطعه نواختنی
۱۱۹	فصل هشتم: سونیت‌های کلاسیک و رومانتیک
۱۲۳	فصل نهم: فرم‌های آزاد
۱۵۵	فصل دهم: ارتباط کلمه و تن
۱۸۱	فصل یازدهم: آپرا

## منظور از فرم

بیان خواست‌های هنر و دریافت‌های انسانی در طول تاریخ، شکلی خاص یافته تحت عنوان فرم. برای دست یافتن به تمایلات و احساس و خواسته‌های انسانی، محدود کردن احساس او بود که آن را به شکلی منطقی و ماندگار فرم دهند، زیرا احساسات انسانی به اشکال مختلفی تجلی می‌کند و این احساسات در عرصه گوناگون نموده‌های ویژه‌ای دربرداشته و در ژرفای تاریخ، جایگاه خاصی به دست آورده است. این گرایش به اشکال مختلف مثل نثر نویسی، اشعار، نقاشی، پیکره سازی، موسیقی و بعدها تئاتر و امروزه سینما، دوران تاریخی خود را در بیان خاص خود به ثبت رسانده است. اما موسیقی زبان بسیار پیچیده‌ای دارد و ثبت تاریخی آن بایستی روشنگر راه آیندگان شود. چنانچه امروزه اروپا جریان تاریخی را به حصار کشیده و فرهنگ تکامل یافته خود را همراه با تاریخ دوران علمی هماهنگ ساخته و آن را در بازارهای جهانی به نمایش می‌گذارد. فرم موسیقی نتیجه بیش از ده قرن حرکت تاریخی و ثبت آن است. گذر موسیقی هم تا زمان حال به ثبت رسیده که شامل زندگی ابتدائی انسان بوده و تا تاریخ زمان حال را در نوردیده است.

حال به بخشی از ثبت موسیقی تحت نام "فرم" می‌پردازم که دوران تاریخی خود را سپری کرده است. ناگفته نماند که بعضی از لغات گاهی به دو شکل در کتاب به کار رفته است که یک معنی دارند: رسیتاتیو - رچیتاتیو، سنفونی - سمفونی و کاربرد این لغات گاهی ریشه یونانی و لاتین و شاید به زبان‌های دیگر مثل آلمانی، انگلیسی و یا فرانسه و... باشد و اینگونه لغات دارای یک معنی هستند و گاهی آن و گاهی این به کار می‌رود. به این دلیل مطرح کردم که از گمراهی جلوگیری شود.

در همین ابتدا باید متذکر شوم که واحد زمانی موسیقی مثل نت‌های سفید، سیاه، از اوزان اشعار و ریتم از حرکت بدن در گذشته مایه گرفته (یونان - روم) و همین واحدها در موسیقی به حالت پایه به کار برده شده است.

## عناصر اصلی فرم

### فصل اول:

#### فرضیه تنظیم زمان

۱. معیار زمانی در هر میزان (متریک)

۲. میزان

۳. ریتم

۱- واحد زمان معیاری برای نظم سیلاب‌های کشیده و کوتاه است، به عبارتی تنظیم سیلاب‌ها مطابق کیفیت آن‌ها. معیار زمانی در موسیقی، میزان‌های دو یا سه قسمتی هستند. میزان‌های دو یا سه قسمتی، میزان‌های پایه محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری موسیقی اولیه واحدها با اشکال مختلف ظاهر شده و نشان یک سری از امکانات واحد اندازه‌گیری را در بر می‌گیرد که از لغات یونانی استفاده می‌شود:

(a)  $\underline{\quad} \underline{\quad}$  <sup>۱</sup> تروخویس (رونده، دونده، نام دیگر آن choraus است).

به معنی کشیده- کوتاه، سنگین - سبک، بلند کردن - گذاردن. به عبارتی در موسیقی یونان آرسیس<sup>۲</sup> = قسمت تکیه کردن بر روی نت درمیزان - تسیس<sup>۳</sup> = قسمت تکیه نشده بر روی نت در میزان است. (به عبارت دیگر آرسیس در رقص به معنای بلند کردن پا و تسیس پایین آوردن که در یونان به کار می‌رفت و برای موسیقی هم به کار بردند):

۱    ۲    ۳    ۴    ۵    ۶    ۷    ۸

1. Trochaus  
2. Arsis  
3. Thesis

# Shiraz-Beethoven.ir

۱۶ ♦ فرم در موسیقی کلاسیک غرب

در واقع ریتم موسیقی در اولین میزان، نشانگر معیار زمان است.

ریتم‌های بعدی نشان از آن دارد که واحد زمانی دیگری ظاهر می‌سازد مثل "یامبوس" به معنای نت‌های کوتاه‌تر که می‌تواند حتا سازنده میزان ناقص اُف تاکت (Auftakt) البته به نسبت نت‌های کشیده‌ی بعدی باشد:

2



Kommt und laßt uns tan-zen, sprin-gen, laßt uns fröh-lich sein.

(b) ۵ یامبوس (پرتاب، جهش)

3



ملودی بیشتر رقص‌های محلی از ترکیب این واحد زمانی استفاده می‌شود و در این مورد مثال‌های زیادی وجود دارد:

4



So trei-ben wir den Win-ter aus durch uns-re Stadt zum Tor hin-aus mit  
sein'm Be-trug und Li-sten, den rech-ten An-ti-chri-sten.

در موسیقی هنری هم (جدی، کلاسیک) کاراکتر اصلی رقص پاساکالیا نشان‌دهنده‌ی این واحد زمانی است. چند مثال دیگر:

J. S. Bach, Pasacaglia

5a



Trio, Poco piu tranquillo 26. Beethoven, Sonate op

سونات بتهوون، اپوس ۲۶، تریو

5b



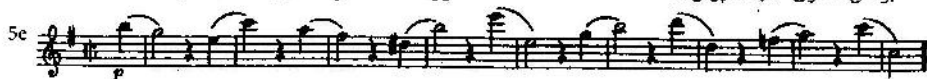
1. Jambus
2. Passacaglia

# Shiraz-Beethoven.ir

اصر اصلی فرم ♦ ۱۵

Brahms, 4. Sinf. op. 98, 1. جمله , Allegro non troppo

برامس، سنفونی شماره ۴، اپوس ۹۸



(C) م م م داکتیلوس<sup>۱</sup> (ضرب انگشت، ضربه دوپل)

این واحد زمانی سه قسمتی است که می‌تواند در دو قسمتی هم قرار گیرد. در دو قسمتی حالت قدم زدن و در سه قسمتی حالت جهیدن دارد:

6a | م م م م م م |



Es ist ein Schnit-ter, der heißt Tod, hat Gewalt vom gro - Ben Gott. — Heut wetzt er das Mes-ser, es



schneidt schon viel bes-ser, bald wird er drein schnei-den, wir müssen's er - lei-den: hüt dich, schön's Bli-me-lein.

در موسیقی کلاسیک، سیسی لیانو<sup>۲</sup> نمودار داکتیلوس سه قسمتی (پاستورال) است:

Beethoven, 7. Sinf. op. 92, 1. جمله Vivace

بتهوون، سنفونی شماره ۷، اپوس ۹۲



F. Schubert, "Der Tod Und das Mädchen"

فرانس شوبرت، 'دختر و مرگ'



H. Wolf, 'Das verlassene Mädchen' (E. Mörike)

هوگولف 'دختر ترک شده'



1. Daktylus
2. Siciliano